هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



زنان مسلمان افغانستان باید فرهنگ و هویت تاریخی خود را نگه دارند.

تنها دینی که از مقام زن تجلیل می کند، اسلام عزیز است.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال چهاردهم – شمارۀ پانزدهم ۱۳سرطان ۱۳۹۴ ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۳۶ 4 July 2015

حمله برحریم خصوصی یک فرماندۀ جهادی در پروان واکنش ها را بر انگیخت



نیمه شب دوشنبه ۸ سرطان قوت های خارجی منزل رهایشی جان احمد خان یکتن از فرماندهان با نفود مجاهدان ولایت پروان را مورد حمله قرار داد. در این عملیات مقدار زیادی از اسلحه و مهمات نظامی که گفته می شود به هدف مقابله با دشمنان و صلح و ثبات در این اواخر گردآوری شده بود، از بین رفته است. حملۀ نیروهای خارجی بدون هماهنگی قبلی با نیروهای امنیتی کشور صورت گرفته است. این گونه حملات به هر هدفی که باشد آن هم در نیمه های شب، باعث رعب، تشویش، نفرت و انزجار اهالی پروان شده است. در پی این اقدام، مردم ولایت پروان با حضور در جادۀ کابل–مزار دست به اعتراض زده، برای ساعت ها این شاهراه را، مسدود کردند و شعار های "مرگ بر امریکا" و "زنده باد مجاهدین" را سردادند. اعتراض کننده‌ها از فرمانده جان احمدخان، اعلام حمایت کردند.

یک روز پس از این حمله، سران جبهۀ مقاومت و مجاهدین به شمول صلاح الدین ربانی، داکتر داکتر عبدالله، استاد محقق، استاد عطا محمد نور، امان الله گذر و تعدادی از فرماندهان سابقۀ جهادی، متنفذین و برخی اعضای پارلمان برای ملاقات با جان احمدخان راهی ولایت پروان شدند. حاضران جلسه در سخنرانی های خود حملۀ قوت های امریکایی را نکوهش کردند و آن را نقض حریم شخصی خواندند.

داکتر عبدالله رئیس اجرائیۀ حکومت وحدت ملی گفت: عملیات نیروهای قاطع در ولایت پروان باعث پریشانی میان مردم به خصوص مجاهدین گردیده است. ص۶

وزیر امور خارجه در نشست رونمایی پلان عمل ملی افغانستان برای قطعنامۀ ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد زنان، صلح و امنیت:

افغانستان در این راستا گام های رو به جلو برداشته است

ص۳

اهمیت توزیع تذکرۀ هویت و چالش های فرا راه آن

عنایت

توزیع تذکره های برقی که حق طبیعی شهروندی است، از مدت ها بدین سو مانند سایر چالش های حاکم، تعمیم این حق طبیعی به یک معضل سیاسی تبدیل شده است. تا این مرز که عدم توزیع تذکره های الکترونیکی، مقامات حکومتی را مجبور به واکنش نموده است. عبدالله عبدالله رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی می گوید: "در راستای توزیع تذکره های الکترونیکی غفلت صورت گرفته است" وی که هفتۀ گذشته در نشست وزیران صحبت می کرد: تصریح کرد که این موضوع را با رئیس جمهور نیز شریک می سازد. این مقام اجرایی حکومت با یاد آوری از مشکلاتی که در این برنامه وجود دارد، یاد آور شدکه به تعداد دوصد کارمند ادارۀ توزیع تذکره های الکترونیکی پس از آن که از وظایف شان برکنار شدند، جهت اظهار شکایت به نزد او آمده اند.

این در حالیست که برخی گزارش ها می رساند، در حدود یکهزار کارمند ادارۀ توزیع تذکره های الکترونیکی از وظایف شان در این اواخر برکنار شده اند. مسوولان ادارۀ تذکرۀ الکترونیکی می گویند، اگر اختلاف ها به زود ترین وقت به پایان نرسد، بیم آن می‌رود که کمک‌های جامعۀ بین‌المللی به این اداره قطع شود. در صورتی که توزیع تذکره های برقی آغاز گردد، خیلی از مسایل در سطح ملی بربنیاد آمار و ارقام دقیق، پاسخ می یابد. در نبود تذکره های شهروندی حقوق مردم ضایع می شود و روند مردم سالاری را به چالش می کشد. به طور نمونه، قانون اساسی کشور، حاکمیت را از آن مردم می داند. مردم مکلف اند تا از طریق آرای خود، تعیین سرنوشت کنند. در صورتی این موضوع مصداق واقعی می یابد که تعداد نفوس، آمار رأی دهندگان، چگونگی انتخابات و نتایج آراء وارد یک سیستم شفاف ملی شود. ص۶



چرا اینهمه زمان گذرانی در اصلاح نظام انتخاباتی!

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

بعد از خبرنامۀ ریاست جمهوری از تمدید کار پارلمان و تعیین ضرب الاجل یک ماهه برای ایجاد کمیسیون ویژۀ اصلاح نظام انتخاباتی، همه چشم ها به آن روز موعود دوخته شده است؛ زیرا مطابق به توافقنامۀ سیاسی که منجر به تشکیل حکومت وحدت ملی گردید، یکی از این شرط ها در توافقنامۀ این حکومت، اصلاح نظام انتخاباتی بود که نزد هردو رهبر به مثابۀ خط قرمز تلقی می گردید. بعد ها دیده شد که ارگ ریاست جمهوری در تلاش است، تا برای خود وقت کمایی کند و تغییر در اصلاح نظام انتخاباتی از اولویت های کاری رئیس جمهور قرار نگرفت و به وقت کشی پرداخت، چیزی که جانب مقابل؛ یعنی رئیس اجرائیه را بارها به خشم درآورد که اصلاح در نظام انتخاباتی را از اولویت های کاری خویش عنوان نموده است.

اصلاح نظام انتخاباتی نه تنها از خواسته های رهبران حکومت وحدت ملی؛ به ویژه تیم اصلالاحات و همگرایی است: بلکه جامعۀ جهانی نیز بار ها به آن تاکید ورزیده و این جامعه حاضر نیست، در موجودیت این کمیسیون هزینۀ آن را که بالغ به ۸۰ میلیون دالر می گردد، بپردازد. جامعۀ جهانی و کشور های که در خط مقدم کمک به افغانستان قرار دارند همواره به این نکته تاکید دارند که در ترکیب این کمیسیون باید تغییرات جدی به وجود آید و این کمیسیون نه تنها ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

به بی باوری ها باید خاتمه داد!

افزایش نا امنی، تغییر جغرافیای جنگ، حملات انفجاری و انتحاری، اختطاف و گروگان گیری، مسمومیت دانش آموزان دختر در برخی مکاتیب، دست بدست شدن برخی مناطق و ولسوالی ها و حملهٔ تهاجمی اخیر بالای پارلمان کشور، منجر به بروز نگرانی های شدید در میان شهروندان کشور شده است و از سویی هم تناقض گویی ها، نبود تعریف واضح و روشن از دشمن، اظهارات و تعهدهای که جنبهٔ اجرایی ندارد، دم زدن از مذاکره و صلح غیر عملی، قانون شکنی در سطوح بلند، رشد فساد اداری و عقب اندازی برنامه های کلان ملی چون تذکرهٔ الکترونیکی، تعلل در معرفی کمیسیون اصلاحات نظام انتخاباتی و دایر نه گردیدن انتخابات و... دولت را در برابر پرسش هایی قرار داده است که بی باوری ها را نسبت به حاکمیت تقویت می نماید و سود آن را دشمنان کشور و مردم افغانستان خواهند برد! خلاصه هرچه درپی این بازی های نظامی و سیاسی نهفته باشد، صدمهٔ کلان آن متوجهٔ مردم افغانستان خواهد بود.

بدون تردید، در پشت نا امنی های کشورما و در حمایت نیروهای مخالف، – طالب و داعش- دستگاه های استخباراتی و با تجربهٔ قوی وجود دارند. هرگاه دولت با برنامهٔ مدبرانه و با ایجاد انگیزه برای مردم و نیروهای امنیتی و دفاعی در برابر این چالش کلان ایستاده گی نه نماید، وضعیت بدتری پیش رو خواهد بود که علاوه از بحران امنیت، خَلق بحران های دیگری را در قبال خواهد داشت.

هفتهٔ گذشته، رئیس عمومی امنیت ملی در جلسهٔ استجوابیهٔ مجلس نمایندگان از شدت نا امنی ها در شش ماه آینده خبر داد و از گسترش داعش ابراز نگرانی کرد. اما وزیر امور داخله در جلسهٔ استجوابیهٔ مجلس سنا از شدت سرکوب مخالفان مسلح دولت تا شش ماه آینده سخن گفت. این تناقض گویی های سران امنیتی کشور به هر نیتی باشد، پیام دهندهٔ ادامهٔ جنگ و نا امنی در کشور است.

از آنجایی که جنگ و نا امنی در همه عرصه ها بحران آفرین است، تا وقتی که دولت راه درست و اساسی را پی نگیرد و صادقانه و دلسوزانه احساس مسؤولیت نه نماید، این نا امنی ها ادامه می یابد. در انجام کار، کشور و مردم افغانستان در تمام عرصه ها متضرر خواهند شد. حکومت باید با چاره اندیشی لازم، به نگرانی ها و اضطراب مردم نقطهٔ پایان بگذارد در غیر آن، شاهد وضعیت ناگواری خواهیم بود.

مسایل رمضانی

بخش دوم

■ فضلی آماج

سخنی با صاحبان کار و صاحبان مال

رمضان در فراسوی خود، فرزانگی‌های زیادی دارد که یکی از آن، احساس درد دیگران است؛ یعنی در این ماه آدم‌ها -آری تنها آدم‌ها- با تمام تاروپودشان احساس می‌کنند که نداشتن یعنی چه؟ مأمور بودن یعنی چه؟؛ اما شوربختانه در این ماه شمار زیادی از این صاحبان کار و مال‌داران به جای اینکه ضمیر به‌خواب رفتهٔ شان برخیزد و آهنگ سفر سوی خدا کند، هنوز دل‌شان سنگ‌تر و وجدان‌شان پرغبارتر شده و انگار عزم را جزم کرده‌اند که در ستم‌گری و فرعون‌گری از دیگران سبقت بجویند و حتی در سیمای خشن‌شان دیده می‌شود که ناجوری روانی کارشان را به جای کشانده که از تضرع و آه و ناله دیگران؛ به نحوی لذت می‌برند؛ هرچند اینان به چنین وضعیتی دل‌خوش اند و سرمست؛ اما در اصل باید بر حال اینان گریست و لاجرم برای‌شان تذکری داد، شاید این تذکر سودی برای شان برساند؛ ازاین‌رو من هم به نوبهٔ خود این‌ها را تقدیم شان می‌کنم:

روزه، گرسنه نگه داشتن شکم نیست؛ رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند: من لم یدع قول الزور والعمل به فلیس لله حاجهٔ فی إن یدع طعامه و شرابه؛ یعنی هر که از سخن دروغ و از کجی‌ها دست مبردارد، خدا نیازی به این ندارد که دست از خوردن و نوشیدن بردارد؛

همان گونه که خودت آدمی و فرزندان جناب عالی آدم‌اند و باید به خواسته‌های آنان پاسخ گفت و دردشان را مداوا کرد، این چنین باید بر وجدانت بقبولانی که دیگران هم مثل شمایند و جناب عالی یک سروگردن از دیگران بالا نیست و شما که خویشتن را مؤمن می‌خوانید مقتضای ایمان چه که مقتضای آدمیت این است که درد دیگران را احساس کنی؛ الا تو کز محنت دیگران بی‌غمی/ نشایند که نهند نامت آدمی؛ بلی رسول اکرم فرمودند: مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى؛ یعنی مؤمنان از روی مهرورزی؛ دلسوزی و عطوفت چون یک تن‌اند؛ اگر عضوی در پی شب‌زنده‌داری و تب بی‌قرار شد، همهٔ بدن به درد می‌آید؛

اگر بر کسی لطفی نمی‌توانی، دست کم دست ظلم را از سر کارگرانت بردار، مثلاً: اگر خداوند این نعمت را نصیبت نکرده است که در این ماه خجسته دست مستمندی را بگیری، علی الأقل این عنایت را بکن که در پرداخت دست‌مزد این بیچارگان تأخیر مکن، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: »أعطوا الأجیر حقه قبل أن یجف عرقه «رواه ابن ماجه؛ یعنی حق کارگر را پیش از آن که عرقش خشک شود بپردازید؛

از حدیث بالا این نکته را بگیر که دست‌مزدی را که می‌پردازی، کرم و جوانمردی حضرت عالی نیست؛ بلکه این حق کارگر است؛

ایمان‌داری و عیاری این را ایجاب می‌کند که وقتی افتاده‌ای دیدی دستش بگیر؛ نه اینکه از مجبوریت و افتادگی آن بهره، کشی؛ اگر پولت و یا قدرت و مکنتت خواست تو را بفریبد این سخن حافظ را به یاد داشته باش:

دایم گل این بوستان شاداب نمی‌ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

اگر در صدق این سخن شک داری، به حول و حوشت نگاه کن؛ چه گل‌هایی که خزان نشدند و چه نونهالانی که درخت نشدند؟

این را هم باید بدانی که نفس خسیس تو هرگز به هرچه جمع کنی قناعت نخواهد کرد، نفس تو مثل دوزخ است که فریاد بر می‌دارد هل من مزید؛ یعنی دیگر هم هست؟

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: لو کان لابن آدم وادیان من مال لابتغی وادیا ثالثا ولا یملأ جوف ابن آدم إلا التراب ویتوب الله علی من تاب ؛ یعنی اگر فرزند آدم دو بیابان مال داشته باشد، سومی را هم می‌طلبد و نفس آدمی را جز خاک چیزی سیر نمی‌کند و خداوند توبهٔ توبه‌کنندگان را می‌پذیرد؛

خدمت عرض شود که یکی از دلایل رفتن به جهنم عدم اطعام مسکین و حتی عدم ترغیب جدی به اطعام مسکین است؛ قرآن‌کریم حکایت می‌کند که زمانی دوزخیان به دوزخ برده می‌شوند ، از ایشان پرسیده می‌شود: ماسلککم فی سقر؟ یعنی شما را چه چیز به دوزخ کشاند؟ دوزخیان چند عامل را بر می‌شمارند و از آن میان یکی هم این را یاد می‌کنند:

ولم نک نطعم المسکین؛ یعنی ما به مسکینان طعام نمی‌دادیم.

این چنین سورهٔ ماعون وقتی صفات کسانی را که به روز آخرت ایمان ندارند، بر می‌شمارد، یکی هم این را عنوان می‌کند:

ولایحض علی طعام المسکین؛ یعنی بر طعام‌دادن مسکین مردم را زیاد ترغیب نمی‌کرد.

از این روست که در آموزه‌هایی از رسول اکرم صلی‌الله علیه وسلم می‌خوانیم که تلاش‌گری را که برای سیرکردن مسکین و بیوه زنی گام بر می‌دارد، هم‌سان مجاهد فی سبیل الله و یا هم‌سنگِ همیشه‌روزه‌دار می‌داند؛

زکات فطر: این چنین خود یکی از این مظاهر هم‌دردی دین با مسکینان و بیچارگان است، صدقهٔ فطر واجبی است که باید آن را پیش از روز عید پرداخت و حتی در این صدقه عقل و بلوغ هم شرط نیست؛ یعنی از دارایی دیوانه و کودک هم باید پرداخته شود و اگر ولی و سرپرست دیوانه و کودک به پرداخت صدقهٔ فطر اقدام نکرد، در شرع خدا گناه‌کار شمرده می‌شود و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به پرداخت این زکات این‌گونه ترغیب می‌فرمایند: «در این روز آنان (نیازمندان) را بی‌نیاز بسازید»

اندازهٔ زکات فطر: اندازه و مقدار زکات فطر یک صاع گندم است یعنی نزدیک به دوکیلو گندم است، البته ناگفته پیداست که این اندازه پایانی است یعنی می‌توان از این بیشتر پرداخت و روی‌همرفته می‌توان بهای آن را نیز طبق مذهب احناف پرداخت.

تقویت روان: یکی از دلایل تنگ‌چشمی‌های صاحبان مال و انگیزهٔ لئامت و خساست آنان، روان ناجور و ارادهٔ لنگ آنان است، روزه مرهمی است که باید مداوای این زخم‌های ناسور شود، آخر انسان تنها همین گوشت و پوست و ریشه که نیست، انسان موجودی است که در آن خدا از روح خود دمیده است، اگر این روح و روان در انسان پژمرده شد، در واقع انسانیت دارد در او می‌میرد و نباید هم از چنین هیکلی انتظار خیری را داشت، چون منبع فیوضات خیر در روان آدم است، از این رو، اسلام در ماه صیام در کنار فرضیت روزه؛ عبادات دیگری را سفارش می‌کند؛ تا این روانِ پریش و ناسور، بهبود یابد، یکی از آموزه‌های رمضانی که در این باب خیلی کارا می‌باشد، اعتکاف است؛

اعتکاف: اعتکاف عبارت از عبادتی است که با پاییدن در مسجد به صورت مخصوص صورت می‌پذیرد، احناف این عبادت را در ده پایانی رمضان، سنت مؤکد کفایی می‌دانند و در غیر آن مستحبش می‌خوانند، البته این هم هویداست که این عبادت باید در مسجد صورت بگیرد؛ یعنی در خانه نباید باشد و با نیت باید همراه باشد و بالطبع معتکف، لاجرم- برای صحت و حلال‌بودن آن- از حیض و نفاس و جنابت پاک باشد؛

مدت اعتکاف: فقه حنفی، حنبلی و شافعی برای کم‌ترین زمان اعتکاف زمانی را معیین نکردند و لحظاتی را هم را برای کم‌ترین زمان اعتکاف درست می‌دانند؛ اما فقه مالکی کم‌ترین زمان را برای اعتکاف یک‌شب و یک‌روز می‌دانند؛

مفسدات اعتکاف: مفسدات اعتکاف؛ یعنی چیزهایی که باعث از بین‌رفتن و تباه‌شدن اعتکاف می‌شود این‌هاست:

۱- جماع و یا هم‌خوابی؛ اما انگیزه‌ها و مقدمات هم‌خوابی چون بوسیدن و بدن را در بدن هم سایدن، در صورتی که به انزال نینجامد، اعتکاف را فاسد نمی‌کند؛

۲- خروج از مسجد در صورتی که اعتکاف نذری باشد.

اخیراً؛ رجای ما از خالق بزرگ این است که توفیق عمل به این را نصیب کند و ماذلک علی الله بعزیز .

افغانستان نخستین پلان عملی ملی خویش برای قطعنامهٔ ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد زنان، صلح و امنیت را روز سه شنبه ۹ سرطان در حالیکه رئیس جمهور، اعضای کابینه، اعضای شورای ملی، سفرا و نمایندگان کشورهای دوست و سازمان های بین المللی مقیم کابل و اعضای جامعهٔ مدنی حضور داشتند، در وزارت امور خارجه رو نمایی نمود.

این همایش با بیانیه افتتاحیهٔ محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه آغاز گردید که در همین صفحه می خوانید.

سپس، رئیس جمهور غنی ضمن ابراز خُرسندی از رونمایی پلان عمل ملی برای قطعنامهٔ ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد زنان، صلح و امنیت، بر ایجاد شرایطی که در آن زن افغان مطابق به قانون اساسی کشور با مرد افغان در ساختن یک جامعهٔ مرفه و قانونمند سهم اساسی داشته باشد تأکید نمود.

اقای غنی با اشاره به احکام دین مقدس اسلام مبنی بر حضور زنان در کارهای عملی و تصمیم گیری ها در صدر اسلام، بر عملی شدن پلان ها، قطعنامه ها و قوانین و جمع شدن فکر و عمل در راستای تحقق اهداف تعیین شده، با پیروی از احکام الهی تأکید نموده اظهار داشت: "تار و پود جامعهٔ ما را دین مقدس اسلام تشکیل می دهد و عمده ترین راه حل ها را در چوکات احکام دین مبین اسلام می بینیم." وی افزود: " گاهی اوقات، تعلیم یافته ترین مردم ما زن ستیز ترین می شوند. امیدوارم که مردان جامعه ما، بعد از این، از فکر و اندیشه زن ستیزی بر آیند."

قطعنامهٔ ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد بتاریخ ۳۱ اکتوبر ۲۰۰۰ صادر گردیده است. این قطعنامه افزایش مشارکت زنان در مسائل مربوط به صلح و امنیت و پایان دادن به خشونت جنسی را یک موضوع صلح و امنیت بین المللی دانسته است.

پلان عمل ملی زنان، صلح و امنیت دارای ارکان چهار گانهٔ (مشارکت، محافظت، جلوگیری از خشونت، رفاه و بهبود) به هدف تقویت و مشارکت زنان در خدمات ملکی، افزایش دسترسی زنان به عدالت، تقویت نقش زنان در سکتور امنیتی و افزایش مصئونیت اقتصادی زنان می باشد. در این زمینه، پلان ملی افغانستان چهل و هشتمین پلان عمل ملی در سطح جهان می باشد.

این نشست با سخنرانی وزیر امور زنان، نمایندهٔ کشور فنلند، نمایندهٔ خاص اتحادیهٔ اروپا برای افغانستان، سفیر کانادا مقیم کابل و رئیس مجتمع جامعهٔ مدنی افغانستان پایان یافت.



وزیر امور خارجه در نشست رونمایی پلان عمل ملی افغانستان برای قطعنامهٔ ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد زنان، صلح و امنیت:

افغانستان در این راستا گام های رو به جلو برداشته است

الحمدلله رب العلمین والصلوه والسلام علی سیدالمرسلین،و علی آله و اصحابه اجمعین

جلالتمآب محترم رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، اعضای محترم شورای ملی، اعضای محترم کابینه، سفرا و نمایندگان محترم سازمان ها و کشور های خارجی مقیم کابل، خانم ها و آقایان!

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

در آغاز حضور تک تک شما را به مناسبت رونمایی "اولین برنامهٔ عمل ملی افغانستان در مورد قطعنامهٔ ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان مل متحد پیرامون زنان، صلح و امنیت" خوش آمدید می گویم.

حضار گرامی! قرن بیست و یک، با تعهدات ویژهٔ جهانی به مسایل زنان آغاز شد. از هشت هدف اساسی توسعهٔ هزارهٔ سوم (MDGs) که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ میلادی برای دست یابی جامعهٔ بشری به این اهداف تا سال ۲۰۱۵ تعیین کرده بود، بخش قابل توجهٔ آن، مستقیم و یا غیر مستقیم مربوط مسایل زنان می شود. "قطعنامهٔ ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد زنان؛ صلح و امنیت"، در حقیقت یکی از راه ها برای تهیهٔ نقشهٔ راه دولت ها در جهت دست یابی به اهداف توسعهٔ هزارهٔ سوم در جهت تقویت جایگاه بهتر زنان به ویژه در راستای تأمین امنیت و صلح جهانی است. در همین سند مهم بین المللی بود که برای نخستین بار، بر نقش زنان در جهت حل جلوگیری از تنش ها و حل منازعات ملی و بین المللی تأکید صورت گرفت.

دغه د ملګرو ملتونو پریکړه لیک کابو پنځلس کاله مخکې، هغه مهال تصویب شو، چې هم امنیت او سوله د افغانستان خلکو څخه اخیستل شوی وه او هم د هیواد په ډیرې سیمو کې ښځې حتا له خپلو بنسټیزو حقونو څخه محرومې شوی وې. ددې پریکړه لیک له تصویب اود2001میلادی کال د سپتامبر 11 پېښې څخه وروسته بدلونونه پیل شو، چې پایله یې د افغانستان په سیاسی برخه کی د نوی پړاو پیلامه وه. په دې نوی پړاو کې د افغانستان نوی سیاسی نظام او هم نړیواله ټولنه، چې ددې نظام ملاتړ او مرسته یې کوله، د ښځو د بنسټیزو حقونو دخوندیتوب او عادلانه سولې او تل پاتی امنیت ته د افغان ولس لاس رسی لپاره دوه اړخیزه ژمنی یې درلودی.

افغانستان د داسې یو هیواد په توګه چې په تیرو دری نیمو لسیزو کې د یرغل او اشغال له امله د تاوتریخوالی قربانی شوی دی، او په دې موده کې ډیرې زیان ددې هیواد ښځو زغملی، په دې وروستي یوه نیمه لسیزه کې د ښځو د بنسټیزو حقونو د خوندی کیدو په برخه کې ګامونه اوچت شوی دي او دغه راز په بیلابیلو سیاسی،ټولنیز، اقتصادي او امنیتی برخو کې دوی ونډه درلوده. نن چې مونږ او تاسو ددې چت لاندې سره راټول شویو او د ښځو د حقونو بنسټیز کیدو او تقویت په برخه کې د یوه پروګرام مخ کتنه کوو، د افغانستان د پرمختګ یوه نښه ده. په دې یوه نیمه لسیزه کې د افغانستان اسلامي جمهوریت په کورنیو او بهرنیو سیاست برخه کې د ښځو ونډې د تقویت او ملاتړ لپاره هڅې، یوازې د افغانستان د نړیوالو ژمنو په خاطر ندی ترسره شوی، بلکې دغه باور وه، چې په بیلابیلو برخو کې په ځانګړې توګه د امنیت او سولې خوندی کیدو کې د ښځو ونډه او ملاتړیوه جدي اړتیا او د عادلانه سولې او تل پاتی پرمختګ ته د لاس رسی په برخه کې بنسټیز ګام دی.

حضار گرامی!

پس از تصویب قطعنامهٔ ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد، کشورهای مختلف، برنامه های عمل ملی را برای دست یابی به این هدف مهم تهیه کرده اند و افغانستان نیز به عنوان عضو فعال جامعهٔ جهانی در این راستا گام های رو به جلو برداشته است. دولت افغانستان در همین راستا، از ۱۲ مارچ سال ۲۰۱۲ میلادی، کار برای تهیهٔ برنامهٔ عمل ملی در پیوند به قطعنامهٔ ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد پیرامون زنان؛ صلح و امنیت را به رهبری وزارت امور خارجهٔ کشور آغاز کرد که پس از نهایی شدن، امروز با حضور جلالتمآب رئیس جمهوری کشور رونمایی می شود. رونمایی این برنامه، نشانهٔ روشنی از تعهد دولت افغانستان برای دست یابی به اهداف توسعهٔ هزارهٔ سوم، از جمله تقویت جایگاه زنان و تطبیق قطعنامهٔ ۱۳۲۵ سازمان ملل متحد است. این برنامه، توسط ریاست حقوق بشر و امور بین المللی زنان وزارت امور خارجه، در مشوره با شورای ملی، ادارات مختلف دیگر دولت، جامعهٔ مدنی؛ و در پرتو ارزش های اسلامی، قانون اساسی و تعهدات بین المللی در راستای ترویج و نهادینه کردن حقوق بشر از جمله حقوق اساسی زنان و نقش آن ها در تأمین صلح و امنیت پایدار که نیاز اولی و حیاتی کشور ما است، تدوین شده است.

این برنامه، چهار رکن دارد که عبارت اند از "مشارکت زنان در سطوح مختلف از جمله صلح و امنیت، محافظت از زنان در برابر انواع تهدید ها، اتخاذ تدابیر برای جلوگیری از وقوع خشونت علیه زنان و همچنان بهبودی وضعیت اقتصادی و صحی زنان است.

خانم ها و آقایان!

هرچند افغانستان در این یک و نیم دههٔ گذشته، گام هایی را در این بخش ها گذاشته و دست آورد های خوبی نیز داشته است، اما به خاطر پاسداری، نگه داری و تقویت این دست آورد ها مطابق این برنامهٔ عمل ملی، دولت وحدت ملی اقدامات روشنتری را روی دست خواهد گرفت. برمبنای این برنامه، در هشت سال آینده دههٔ تحول، ادارات مختلف دولتی، مکلفیت دارند تا ارکان چهارگانهٔ این برنامه را تطبیق و به صورت منظم به وزارت امور خارجه گزارش بدهند. وزارت امور خارجه نیز، براساس مسوولیت هایش، گزارش های دست آورد ها در این بخش را به نهاد های مربوط جهانی ارائه خواهد کرد تا در سنجش های جهانی پیرامون افغانستان، مورد توجه قرار گیرند.

امیدوارم که نهاد های مختلف دولتی، در تطبیق این برنامه و دست یابی به این هدف کلان، گام بردارند و نهادهای مدنی نیز با نظارت دقیق شان، اداراتی را که در ادای این مسوولیت اغماض و بی توجهی می کنند، متوجه سازند. در این مدت، دولت افغانستان از مشوره های سودمند نهاد های بین المللی نیز بهره خواهد برد.

در اخیر، اجازه بدهید که با استفاده از این فرصت، از تمام ادارات دولتی، جامعهٔ مدنی، و نهاد های بین المللی مخصوصاً دولت فنلند به خاطر حمایت مالی و همچنان دفتر ملل متحد برای زنان (UN Women) به خاطر همکاری مالی و تخنیکی شان در روند تدوین این برنامهٔ عمل ملی، سپاس گزاری کنم.



داعش هم در افغانستان "جان" می گیرد!

وحید مژده

به نظر می رسد که سروصدای حضور داعش در افغانستان نگرانی های جدی را در خارج از مرز های افغانستان بمیان آورده است. در سفر حامد کرزی به ماسکو، ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه ضمن ابراز نگرانی از گسترش حضور این گروه در افغانستان گفت که، داعش در ۲۴ ولایت از ۳۴ ولایت افغانستان حضور دارد.

مقامات نظامی امریکایی که تا اکنون خطر داعش در افغانستان را جدی نمی گرفتند، در این اواخر ظاهراً نگرانی مشابه را از گسترش روز افزون این گروه در نقاط مختلف افغانستان ابراز داشته اند.

نگرانی ماسکو بیشتر از شمال افغانستان است، جایی که گزارشات متعددی از تلاش های این گروه برای سربازگیری بگوش رسیده است. تلاشی که تنها در مرزهای افغانستان محدود نیست بلکه مانند سوریه، این دعوت به خارج از مرز های افغانستان نیز کشیده شده است.

یک باور اینست که افراد داعش در افغانستان همان طالبان اند که بیرق های خود را تغییر داده اند اما تا اکنون حقایق خلاف این ادعا را ثابت می سازد. غیر از عبدالروف خادم که قبلاً در حملهٔ طیارهٔ بی پیلوت امریکا کشته شد، هیچ فرد مهمی از طالبان افغان تا اکنون با این گروه اعلام بیعت نکرده است اما طالبان می پذیرند که بعضی از افراد که قبلاً با طالبان بودند و به دلیل تمرد از فرمان رهبری از صف طالبان اخراج شده بودند، اکنون به داعش پیوسته اند.

بخشی از بدنهٔ داعش که در افغانستان درگیر جنگ با طالبان اند، از طالبان پاکستانی تشکیل شده است که از تحریک طالبان پاکستان برهبری مولانا فضل الله جدا شده اند. مشهور ترین فرد از آنان شاهد الله شاهد است که قبلاً سخنگوی طالبان پاکستانی بود اما بعداً به دلیل نزدیکی با آی اس آی از صف طالبان پاکستانی رانده شد و حافظ سعید خان که از طرف رهبری داعش بعنوان امیر ولایت خراسان تعیین گردیده نیز زمانی با طالبان بوده و سپس از آنان بریده است.

بخش دیگری از افراد داعش را افراد حزب اسلامی حکمتیار تشکیل می دهند. این افراد که در طول چهارده سال گذشته هم از طرف دولت افغانستان نادیده گرفته شدند و هم طالبان آنان را بعنوان یک گروه مستقل نپذیرفتند و مانع فعالیت های نظامی آنان شدند، اکنون فرصت را مساعد دیده و بر بنیاد نارضایتی از دولت و طالبان، به این گروه تازه تاسیس پیوسته اند.

اما یک گروه دیگر نیز در میان جنگجویان این گروه در شرق افغانستان وجود دارد که هرچند لباس محلی به تن دارند اما مردم محل به این باور اند که آنها نظامیان پاکستانی اند. برنامهٔ تنظیم، بسیج و جنگ آنها را بیشتر همین گروه سوم تنظیم بعهده دارد.

برعکس سوریه و عراق که داعش دعوت خویش را در میان گروه های سلفی گسترش می دهد، در افغانستان تا اکنون دعوت این گروه فرقه گرایانه نبوده است. دلیل آن نیز شاید این باشد که مردم در افغانستان تصور منفی از مسلک سلفی دارند. برای نشان دادن شباهت با نسخهٔ اصلی این گروه در سوریه، داعش از بدو ظهور در افغانستان لااقل با سربریدن، جان حداقل ده تن از طالبان اسیر شده را گرفته است.

اما در جامعهٔ قبایلی افغانستان، هر مفکوره ای که قدم به میدان عمل می گذارد، حتی اگر ادعا های بلند بالای انترناسیونالیستی هم داشته باشد، بعد از مدتی رنگ و بوی قبایلی بخود می گیرد و وابستگی های قومی و منطقوی حتی مرز های ایدئولوژیک را نیز کمرنگ می سازد.

عبدالرحیم مسلم دوست که جزء اولین افغان هایی بود که با رهبر داعش بیعت کرد، از ولسوالی کوت ننگرهار است و به همین دلیل هم وقتی پای داعش به ولسوالی های ننگرهار رسید، تعدادی از جنگجویان از ولسوالی کوت به آنان پیوستند. مسلم دوست خود را فقط یکی از اعضای شورای رهبری داعش می خواند.

حافظ سعید خان امیر داعش در خراسان از ورکزی اجنسی است و امروز بخش بزرگی از جنگجویان مربوط به طالبان پاکستانی از ورکزی اجنسی با داعش پیوسته اند.

اما در شمال افغانستان به دلیل دور بودن از سرحد پاکستان، حرکت این گروه بطی و ضعیف است. دعوت داعش در این مناطق به دلیل فقر و بیکاری گسترده در میان مردم، بیشتر بر بنیاد انگیزه های مالی است.

در میان رهبران جهادی، حکمتیار یگانه شخصی است که با گروه داعش لااقل نوعی ابراز همدردی نموده است. بعنوان مثال حکمتیار در مصاحبه با سایت افغان زواک در مورد داعش می گوید:

"قیام داعش در حقیقت عکس العمل طبیعی علیه تجاوز امریکا به جهان اسلام، علیه حکومت های مرتد، فاسد و ظالم در عراق و سوریه، علیه مداخله های خائینانهٔ تهران در حمایت از این دو حکومت مرتد و اعزام جنگجویان اجیر به این دو کشور و در مجموع عکس العمل مشروع و طبیعی مسلمانان مظلوم علیه جبههٔ کفر، نفاق و ارتداد است".

"داعش تحریکی است که برعکس طالبان، حکومت های وابسته به واشنگتن و ماسکو، تهران و ریاض و دیگران بصورت مشترک و به شدت مخالف آن اند. روحانی رئیس جمهور ایران از امریکا خواست تا نیروهای خود را به عراق بفرستد. اگر این کار را بکند، ایران با امریکا کمک خواهد کرد... همه دشمنان اسلام پیشرفت داعش را بعنوان یک خطر بزرگ می نگرند و برای مقابله با آن بصورت مشترک کمر بسته اند".

حکمتیار به این باور است که علیه داعش یک جبههٔ مشترک کفر، نفاق و ارتداد باز شده است و همین عکس العمل دشمنان اسلام بعنوان نشانهٔ آشکار و قاطع از حقانیت داعش کافی است.

اما سوال اصلی اینست که این گروه تازه به میدان آمده خواهد توانست طالبان را از صحنه رانده و خود جانشین آنان گردد؟ افراد داعش در شرق افغانستان همین برنامه را پیش می برند و ظاهراً دلیل آنان نیز واضح است؛ در جهان اسلام فقط یک خلیفه باید حکم براند و او نیز ابوبکر بغدادی است. هرکسی که دعوای مشابه را عنوان نماید باید کشته شود.

د مصر په سینا کی د نا امنیو نوی اوج

شفیق

وروسته له هغې چې مصري دیکتاتور واکمن د اسلامي اورپکو پر خلاف د نوو عملیاتو ترسره کولو هوډ یوه ورځ وړاندې ددغه هیواد د لوی څارنوال (هشام برکات) په جنازه کې د ګډون پر مهال په خپله وینا کې څرګند کړ، د سینا په ټاپو کې په مصري امنیتي ځواکونو بریدونو اوج واخیست او د خبرونو له مخې دغه بریدونه چې په څلېرویشتو ساعتونو کې د مصري امنیتي ځواکونو په یو پولیسي ماموریت او پنځو مورچلونو ترسره شویدی، د داعش اورپکو د ادعاء له مخې پکې یې اویا تنه امنیتي کسان وژلي دي او ددې سیمې د پوځ د ویاند جنرال سمیر په وینا نږدې اویا تنو اورپکو دغه بریدونه ترسره کړي دي، چې دوی ورڅخه یو دیرش تنه تر دا مهاله وژلي دي.

د بي بي سي راډیو د راپور له مخې پدغو ځایونو باندې اوس هم د چورلکو بمبارۍ روانې دي او حکومتي مقامات پخپله اعتراف کوي چې په مصر کې د لومړي ځل لپاره د اسلامي اورپکو دغه بریدونه د ځانګړي نوعیت لرونکی دي؛ ځکه د لومړی ځل لپاره اورپکو د راکټ لانچرو په څېر درنې ټانکونه تخریبوونکي وسلې کارولي او درنه مرګ ژوبله یې رامینځته کړېده.

د یادونې وړ ده، له کومې ورځې چې د دکتور مرسي ولسواکه نظام د سناریویې لاریونونو په رامینځته کولو سره د پوځ د هغه وخت مشر عبدالفتاح السیسي په لاس ړنګ اعلان شو او ورپسې د مصر له ټولو څخه ستر اسلامپال ګوند الاخوان المسلمون د زرګونو په شمېر غړي د خپل مشروع نظام څخه د دفاع لپاره د لاریونونو پر مهال ونیول شو او زندانونو ته واچول شو او هم ددغه ګوند د عمومي لاربنود په ګډون په سلګونو مشران په زندانونو کې غورځولو سره سره ټاکنې اعلان شوې، نو یاد شوي ګوند دغه ټاکنې نا قانونه وګڼلې او په پایله کې یې السیسي د نا قانونه ټاکنو په نتیجه کې نوی ولسمشر شو؛ چې واک ته له رسیدو سره سم یې د الاخوان المسلمون د غړو پر خلاف نظامي محکمې اعلان کړې او د مصر د پخوانیو دیکتاتورو واکمنانو څخه یې هم څو ځلې زیات د تشدد لیار ونیوله؛ چې د قضاء آزادي ورسره له مینځه ولاړه او د الاخوان المسلمون د ګوند د عمومي مشر او مشروع ولسمشر دکتور مرسي په ګډون، سلګونو اخواني مشرانو پر خلاف یې په ببلا ببلو دوسیو اورولو سره د اعدام یا عمر بند سزا اورول پیل کړل او هم یې د سینا ټاپو له لیارې د فلسطین د خلکو له نږۍ سره د تګ راتګ یواځینۍ لیار ((رفح)) هم وتړله، نو پدغه هیواد کې د واکمن نظام پر خلاف د تاؤتریخوالي نوې څپې رااوچتې شوې، چې د سینا سیمه یې د پراخې نا امنۍ سره مخ کړه او هم د قاهرې په ګډون د هیواد په ګڼو مرکزي سیمو کې کله د کورنیو چارو د وزیر کاروان او کله د امنیتي چارو نورو مسؤلینو پر خلاف د ولسي قهر څپې رااوچتېږي او هم د لاریونونو لړۍ وخت نا وخته دوام لري چې په همدې لړ کې تېره دوشنبه ددغه هیواد لوی څارنوال په موټرو باندې د برید په مهال، نوموړی ټپي شو او وروسته ومړ؛ دغه عمل د عبدالفتاح السیسي رژیم لپاره یو نوې ګواښنه وه او هماغه وو چې د نوموړي په جنازه کې عبدالفتاح السیسي ددې هوډ څرګند کړ چې دې به د اورپکو پر خلاف درې پنځوس لرونکی نوي قانون باندې عمل پیل کړي او د اسلامي اورپکو پر خلاف به د تشدد پالیسۍ جاري وساتي او پدې اړه به له تساهل څخه کار وانخلي.

سینا د مصر هغه سیمه ده چې د مرسي د مشروع نظام د نسکورولو څخه د مخه هم، د مصري حکومت لپاره خطرناکه ګڼل کېده خو لدې وروسته نوره هم خطرناکه شوه او د السیسي د وروستي اعلان یوه ورځ وروسته د مصر د امنیتي ځواکونو لپاره نوره هم مرګونې واقع شوه؛ ځکه دا لومړی ځل دی چې اسلامي اورپکې پکې د درنو وسلو په مټ د پوځ پنځه مورچلې او یو ماموریت باندې په یوه ورځ برید ترسره کوي او امنیتي ځواکونو ته دومره درنه مرګ ژوبله اړوي.

مصري ولس چې د الاخوان المسلمون له ګوند څخه یې د ولسمشرۍ په تېرو ټاکنو کې ملاتړ کړی وو، پدې حیران دی چې څنګه د داعش اورپکو دغو وسلو ته لاسرسی پیدا کړی دی او دومره درانه تلفات یې پوځ ته اړولي دي، چې لامله یې ځیني انګیري، ښایي دغه عمل هم یوه سناریو اوسي، څو دیکتاتور واکمن ته د اسلامپالو اورپکو پر خلاف د تشدد کارولو دلایل برابر کړي او پدې ترتیب د الاخوان المسلمون پلویان نور هم وځپي. دا پداسې حال کې ده چې د الاخوان المسلمون ګوند همیش د سوله ایزې مبارزې پلوي دی او د خپل مشروع ولسمشر څخه د ملاتړ لپاره د لاریونونو له لیارې غوسې څرګندولو خپل قانوني حق څخه ګټه پورته کوي، مګر د امریکا په اشاره دیکتاتور واکمن ولسواکي هم نه مني.

نوستالژی مرگ اندیشی و فقدان عزیزان ۴

عبدالقیوم ملکزاد

۲- در رثای شخصیت های روحانی (اهل علم و طریقت):

استاد خلیلی در "تاریخ وفات عالم حقانی و مبارز راه حق، مولانا عبدالغنی صافی قادری کوهستانی معروف به مولوی قلعهٔ بلند" چنین سروده:

"جناب مولوی عبدالغنی خان
که صدر محفل اهل تقی بود
به درس علم، در منقول ومعقول
بزرگان زمان را پیشوا بود
به عرفان در طریق قادریه
امام راهبین و رهنما بود
به شمسی بر شمر سال وفاتش
که شمس آسمان اهتدا بود
ز خاصان خدا چون بود، فوتش
به حکم عقل، " خاصان خدا" بود."

تذکر: حضرت مولوی صاحب قلعهٔ بلند (رح) یکی از اساتید دلسوز پدر نگارندهٔ این سطور (مولوی محمد عبدالملک) بود که زمینه تحصیل بیشتر ایشان را به هندوستان فراهم فرمود و حضرت قبله گاه، این استاد بزرگوار را به حیث پدر معنوی خویش بر می شمرد.

" و حرمی مدفنا " قطعه یی است (به مناسبت وفات فخر المشایخ، سرور مجاهدان، چشم و چراغ اهل طریق، مخدومنا و مولانا محمد شریف تگابی مولدا " شاعر":(

" آه از فخر المشایخ، رهنمای اهل دل
آن که قلب راز دانش کاشف اسرار بود
در جهاد راه حق، در حفظ ناموس وطن
شیرد مرد و رزمجوی و سرور و سالار بود
در دم آخر نیاز وی ز درگاه خدا
رستگاری وطن از پنجهٔ کفار بود"

" والد مجاهد شهیر سید احمد گیلانی" نام قطعهٔ دیگری است که استاد خلیلی آن را به مناسب" تاریخ وفات حضرت مستطاب سید حسن نقیب گیلانی (رح) مدفون در مشرق کابل" سروده است. تاریخ وفات مرحوم گیلانی در مقطع شعر چنین آمده:

فزود " آه" بگفتا برای تاریخش / حروف " بندهٔ خاص خدا" همی شمر. (که حدود سال ۱۳۶۳ ش می شود.)

این هم ابیاتی از آن مرثیه:

" سپهر مرتبه سید حسن جناب نقیب
که بود گمشدگان را به سوی حق رهبر
طریق قافلهٔ فیض را مهین مرشد
حریم خانقه عشق را بهین سرور."

" گوهر گنج حکمت" نام مرثیه دیگر استاد است انشاد شده " برای تربت قاضی میر عطا محمدخان حسینی هروی" . شاعر در معرفی قاضی مرحوم این سطور را در حاشیه شعرش علاوه کرده: " رئیس سابق اعیان که از سادات کرام هرات و از فضلا و محققان بزرگ روزگار بود. نحوی، لغوی، فقیه، مورخ، عالم معقول و منقول، ادیب و درعین حال در خط نستلیق و شکسته استاد، در سخن شناسی و نقد الشعر بی همتا و برشاعر حق دوستی و استادی داشت. مولد هرات، جوار مسجد جامع، مدفن: جوار حضرت تمیم انصار کابل."

و این هم ابیاتی از این قطعه:

"خفته اینجا گنج حکمت را گرامی گوهری
کز فروغش اهل دانش فیض کردی اکتساب
دودمان مصطفی را وارثی والا گهر
خاندان اهدا را رهبری عالی جناب
بوالعلا را از بلاغت درعرب قایم مقام
بوعلی را از تبحر در عجم نایب مناب
در وزارت همقرانش صاحب ابن عباد
در قضا شمع طریقش سیرت ابن خطاب
احترامش در نسب مشعر ز آبای گرام
افتخارش در حسب مأخوذ از ام الکتاب
فقه را کنز هدایت، شرع را مشکات فیض
علم را برهان قاطع، فضل را فصل الخطاب."

" پدر مجاهد بزرگوار صبغت الله مجددی" عنوان دیگری از مرثیه های استاد است. استاد در مقدمه شعرش نگاشته: " تاریخ وفات حضرت غلام معصوم مجددی پسر سید قطب العصر شمس المشایخ دوست مهربان و یار غمگسار بنده که در لاهور در سال ۱۳۴۹ هجری- شمسی در اثنای نماز جان به جان آفرین سپرد و جنازه اش را به کابل انتقال دادند."

مرثیه بدینگونه آغاز می شود:

" دردا و حسرتا و دریغا و اندها
از گردش زمانه و جور و جفای وی
این کاروان مرگ نگردید یک نفس
خاموش کوس رحلت و بانک درای وی
ای بس علم که گشته نگون زیر پای مرگ
یک بار، خم نشد علم کبریای وی
شمعی خموش گشت که چشم امید ما
روشن شد از اشعهٔ تسکین لقای وی
مردی که بود مایهٔ تسکین دوستان
در شام بی کسی دل درد آشنای وی
مستانه رفت سوی بهشت برین و شد
دلهای دردمند روان از قفای وی
از دور آفتاب چو جستم حساب سال،
گفتا بگو " بهشت خدا باد جای وی"

۳- غمناله هایی در نبود اعضای خانواده:

" خواهر ناکام " نام غمسرودی ست که استاد آن را در رثای همشیرهٔ جوانمرگ خود انشاد کرده. سراپای این شعر آگنده از سوز است و آه است و گداز، خاصه بند واپسینش که می گوید: " من به امید آن بودم تو بر مرده ام کفن بدوزی و شمعی بر مزار من بر افروزی و از حسرت مرگ من بسوزی؛ لیکن چه کنم که تقدیرمن واژگون گشت."

اینک نمونه هایی از آن غمسروده:

" ای خواهر نامراد ناکام !
وی کشتهٔ جور های ایام !
ساکت بنشین، دمی بیارام
بهر تو که گفت تند بخرام؟
تنها تو مرو که راه دور است
وین بادیه پر دد و ستور است
ای شاخ شکسته در جوانی!
وی نو گل باغ زندگانی !
حیف است که داغ جاودانی
در خاطر زار ما بمانی
از خانه خود کناره گیری
الفت به مه و ستاره گیری
مرگ تو نمود آن چنانم
کز درد تو سوخت استخوانم
با داغ تو کرد امتحانم
بنداشت فلک سخت جانم
نفرین به سپهر و آزمونش
بر تجربه های واژگونش
بودم به امید آن که روزی
بر مردهٔ من کفن بدوزی
شمعی به مزار من فروزی
وز حسرت مرگ من بسوزی
لیکن چه کنم که جور گردون
تقدیر مرا نمود واژون. "

عبدالرحمن صارم، داماد استاد خلیلی بود که در جوانی به خون آغشت.

به قول شاعر: او یکی از افسران رشید و صادق وطن بود. دو طفل از وی به جا مانده به نام های شهلا وغزال و این دو بیتی ها به غزال کوچک ارمغان شده:

خدا یا تیغ تقدیرت بنازم
به خون آغشته شمشیرت بنازم
زدی تیری که از پشتم برآمد
کمانت بوسم و تیرت بنازم
فلک جز جور و وحشت نیست کارش
زمین بر خاک و خون باشد مدارش
جهان دکان قصابی است یارب!
که بوی خون دمد از هر کنارش."

" اختر صبح و دختر بیمار" مرثیهٔ دیگری است که استاد خلیلی در بارهٔ شأن سرود آن چنین نگاشته:

" برادر رضاعی شاعر، دخترکوچکی داشت که از برگ گل لطیف تر و از شکوفه بهاری رعنا تر در آغوش او تربیت یافته بود. او را از فرزندان حقیقی خود زیاد تر دوست داشت. صبح اول عقرب ۱۳۱۷ سپیده دم جان داد.شاعر در حالت احتضار به بالین او حاضر بود. ستاره صبح افول می کرد و او در بسترمرگ با چشمکان بی نور خود به وی نگاه می کرد."

اینک پاره هایی از این چهار پاره:

" طفلی است مرا به خانه بیمار
نالان و ضعیف و زار و رنجور
چون اختر صبح چشمکانش
از شدت درد گشته بی نور
در بستر درد و نا توانی
آن هیکل خشک و شبح بی روح
پر می زد و می تپید از درد
چون مرغ شکسته بال مجروح
تا دیده به چرخ باز کردم،
دیدم که ستاره سحر نیست
در جبهه طفل دیدم آوخ
از زندگی اش رمق دگر نیست
ای کودک ناز پرور من!
رخسار جهان ندیده رفتی
ای شاخ گل! از بهار عمرت
یک برگ گلی نچیده رفتی
آن تازه گلی که گفته بودم
زیب سر و گردنت نمایم،
اکنون به هزار آه و زاری
پیرایهٔ مدفنت نمایم. "

۴- در رثای فرماندهان جهاد:

" ذبیح الله شهید " (به یاد مجاهد گلگون کفن، فرمانده جبههٔ مزار شریف و بلخ، ذبیح الله شهید)

این یادنامه نسبت به سایر مرثیه های استاد تفاوت دارد. اینجا یک قلم، سخن از خون است و از شهید است و شهادت، شهیدی که " سبق مهر و وفا خوانده ز پیکار حسین"!

اینجا سخن از عروج مهمان خداست به سوی بالا!

سخن از رفتن ابرمردی است که شاعر می طلبد تا " پوش تابوت وی از پرده جان ها" باشد، " تربتش بر زبرمسند دلها" باشد!

شهیدی که شاعر مصلحت نمی دهد به خاطر به خون خفتنش، ناله و زاری راه بیندازند...!

آری، شهید راه خدا و جهاد فی سبیل الله، دارای همین مقام والاست و شایستهٔ چنین تجلیل! راستی هم نبود چنین فرمانده نام آور و صف شکن و دشمن برانداز، در روزگاری که به بودن او نیاز جدی و حیاتی احساس می شد، جای درد و دریغ فراوان را داشت.

شهیدی که استاد به آن خطاب به آن گلگون قبا، سروده بود:

" از سر تربت تو بوی وفا می آید
شمع بالین تو از عرش خدا می آید
مرغ توحید در آنجا به صدا می آید
ملک از چرخ برین بال گشا می آید
تا زند بوسهٔ اخلاص به خاک در عشق
هدیهٔ نور کند پیشکش سنگر عشق
یاد آن سرو به خون خفتهٔ ما باد به خیر
یاد آن یار سفر کرده ما باد به خیر
یاد آن سرور و سر دستهٔ ما باد به خیر
یاد آن قاید بر جستهٔ ما باد به خیر
مصلحت بین من آن است که افغان نکنیم
بر شهیدان وفا اشک به مژگان نکنیم
خاطر از رفتن این قوم، پریشان نکنیم
گریه بر زنده فرخندهٔ خندان نکنیم
آن که بر بال ملک سوی خداوند رود
با دل مطمئن و خاطر خرسند رود."

سروده دیگری که استاد خلیلی برای شهادت فرماندهان جهاد انشاد کرده، مرثیه یی به یاد فرمانده فیض الرحمن رحیمی از دشت ارچی قندز است که متاسفانه در دیوان های چاپی استاد به چاپ نرسیده است. یک کاپی این مرثیه در اختیار نگارنده قرار گرفته بود، با دریغ باید گفتو که عجالتاً قادر به دریافتنش نشدم.

و اینک می پردازیم به یک شعر دیگر استاد که " آریایی سرود" نام دارد. این سروده بازتاب دهندهٔ آخرین وصیت سردار محمد ایوب خان، غازی، فاتح میوند در لاهور می باشد که آرزو برده به جایی دفن گردد که رنگ و بوی گلزار وطن دارد. نگرانی وی، از آن مرگی می باشد که جسمش در اقلیمی دفن گردد که آنجا دشمنش کشور آرایی دارد.

این هم ابیاتی از این قطعهٔ بیست و هفت بیتی:

" به بالین سر نهاده فاتح میوند و می تابد
فروغ ایزدی چون ماه از رخسار والایش
نگه را دوخته بر سقف تا عفریت مرگ آید
که بسپارد به دست او عنان آرزو هایش
گهی مشتش گره می گشت ازغم،چون جدا می دید
عنان قدرت از دستش، رکاب نصرت از پایش
بگفتا:" من نمی ترسم که بستیزد اجل با من
که دیدم زندگی جز غم نباشد زیر و بالایش
چه لرزد مرد بر عمری که بر باد است بنیانش؟
چه بندد دل بر آن نقشی که بر آب است مبنایش؟
ولی ترسم از آن مرگی که بسپارند جسمم را
در اقلیمی که باشد دشمن من کشور آرایش
جفا باشد که جای غلغل شیپور آزادی
به خاکم بانگ دشمن آید و فریاد کرنایش..."

ادامه دارد

اهمیت توزیع تذکرۀ هویت و چالش های...

ادامه از صفحۀ اول

نزدیک به شش سال پیش زمانی که نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸ جنجالی و خبرآفرین شد، اطلاع یافتیم که دولت جمهوری اسلامی افغانستان مصمم گردید، به منظور شناخت دقیق از آمار و ارقام رأی دهندگان و شناسایی نفوس مملکت برای عموم شهروندانش شناس‌نامۀ برقی را توزیع نماید. کارهای مقدماتی از تهیۀ بودجه، استخدام کارمندان، ایجاد سیستم های برقی... آماده شد و صرف باید کار عملاً آغاز می گردید که متأسفانه تا اکنون نشده است. اهمیت داشتن شناس نامه، مدرک ابتدایی برای شناخت هر فرد در هر مملکت می باشد. زیرا تثبیت هویت هر شخص بستگی به این مدرک دارد. شناس‌نامه معرف چیستی فرد می باشد که به سوالات مهمی مانند که؟ از که؟ در کجا؟ و کی؟ به دنیا آمده است پاسخ می دهد. مشخص شدن مدرک هویتی شهروندان جدا از مسایل فردی از تأثیر گذاری در ساختن برنامه ها و طرح های کلان مملکتی و حتی روابط و تعامل با کشورهای بیرونی برخوردار می باشد. داشتن مدرک معرفت، حق شهروندی هر شهروند است و نمی شود هیچ کس را از آن محروم ساخت، جز در پناه قانون.

از سوی هم وقتی فردی به سرزمینی تعلق دارد و شناسنامۀ آن را در جیب داشته باشد و از حقوق و امتیاز آن برخوردار باشد، نوع حس غرور ملی و تعلق خاطر به وطن آبایی در آن زنده می شود و از زندگی خود لذت می برد. تجربه نشان داده است، در نبود سند تابعیت سرخوردگی و حس بی تعلقی در میان جوامع این چنینی زیاده دیده شده است. مهاجرانی که در کشور دومی زندگی می کنند و از حقوق شهروندی برخوردار نیستند، به مسایل مربوط به آن سرزمین مانند، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و تاریخ بی تفاوت هستند. همین جاست که خیلی ناهنجاری ها به وجود می آید و در نتیجه بحران اجتماعی به بار می آید. زمانی که من منحیث مهاجر در دو کشور همسایه زندگی کردم، در نبود داشتن شناس نامه، با وصف مشترکات تاریخی و فرهنگی، احساس بی تعلقی می کردم. چون نمی توانستم به مانند شهروندان آن کشور از حقوق و امتیازات برخوردار باشم. احساس تعلق به سرزمین اصلی بیشتر در گروه همان سند رسمی است که قوۀ حاکم به شهروندانش توزیع می کند و از امتیازات مندرج برخوردار می گردد.

در نبود شناس‌نامه چه مشکلاتی خواهیم داشت

داشتن شناس‌نامه با این همه مسایل خوب و مهمی که در خود دارد، طی سالیان دراز به ویژه سال هایی اخیر از سوی دستگاه حاکمه در کشور ما با بی اعتنایی و بی‌مهری رو برو شده است. این بازی به حدی پیچیده شده است که تا هنوز امیدی برای توزیع آن دیده نمی شود. بی اعتنایی در توزیع شناس نامه ها انتخابات سال ۱۳۹۳ خورشیدی را نیز مانند انتخابات ۱۳۸۸ جنجالی نمود. این جنجال از آن جا ناشی گردید که برخی از مناطق و ولایات سه برابر نفوس شان از برگه های رأی دهی استفاده نمودند. اگر توزیع تذکره‌های الکترونیکی پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری به اتمام می رسید و افراد واجد شرایط رأی‌دهی با در دست داشتن تذکره‌های الکترونیکی به پای صندوق‌های رأی می رفتند، بسیاری از چالش‌های که در روزها و ماه های پسا انتخابات به آن مواجه شدیم هرگز وجود نمی داشت.

روی هم رفته در حکومت های دو دورۀ آقای کرزی به هر دلیلی که بود این کار صورت نگرفت، اکنون خواهش مردم به ویژه آنانی که در مسایل مهم دولت داری، شهروند محور فکر می کنند، این است که روند توزیع تذکره های الکترونیکی سرعت یابد و مردم این سرزمین از این حق مدنی شان درست حسابی استفاده کنند. پرسش های اساسی مردم حق دارند بپرسند که در نبود شناس‌نامه های برقی، افراد اجنبی و قبایل دو سوی خط دیورند می توانند پروسه های ملی ما را سمت و سو بخشند. اگر بانک اطلاعاتی فعال گردد و سیستم رأی دهی و رأی گیری مدرن و شهروند محور شود، سوء استفاده‌ها و رذالت هایی همشه‌گی که خصیصۀ افراد سودجو است، به حد اقل می رسد و مردم نتایج رأی خود را می بینند. علی رغم این همه سوالات اکنون که از عمر حکومت وحدت ملی ده ماه سپری می شود، تا هنوز از شروع این پروسه خبری نیست. خیلی ها بر این باورانـد هستند که ارادۀ سیاسی برای توزیع تذکره‌های الکترونیکی وجود ندارد. در صورتی‌که چنین باشد و ارادۀ سیاسی وجود نداشته باشد، انتخابات مجلس نمایندگان و شوراهایی ولسوالی ها را که پیش‌رو داریم مانند دو انتخابات گذشته به چالش مواجه می گردد. پرسش خیلی جدی که واقعاً به آن مواجه هستیم این است که چرا دولت پیشین این کار را انجام نداد و چرا دولت فعلی از آن طفره می رود؟ آیا واقعاً ترسی در کار است یا نفع و ضرری را در پی دارد؟ آنچه مربوط به مسایل نفع است در بالا به موارد مهم آن اشاره کردم، اما زیان توزیع تذکره در کجاست؟ در صورتی‌که شهروند افغانستان از حق طبیعی و مدنی خود بتواند استفاده کنند، سیاستمداران به چه دلیل آن را به ضرر خود تعبیر می کنند؟

گفتمان غالب در توزیع تذکره چیست؟ از آن جایی‌که باور دارم، متأسفانه گفتمان غالب در مسایل ملی بر محور قوم، سمت و مذهب می چرخد. عدۀ را باور این است، در صورتی‌که توزیع تذکره های الکترونیکی تعمیم یابد، پای برخی ها در گِل می ماند و همان داعیۀ همیشه‌گی شان خط خط می شود. بنا برآن سعی دارند، تا این روند برای چند صباح دیگر به تأخیر بیافتد.

برخی ها می گویند درج محتوا در تذکرۀ الکترونیکی از موارد دیگری است که برای عدۀ قابل قبول نیست و می خواهند خواسته های قومی را به مسایل مربوط به هویت سایر شهروندان غلبه بدهند. برای همین هم است که مشکل آفرین شده و پروسۀ توزیع تذکره با گذشت هر روز به تأخیر می افتد.

مداخلۀ کشورهای همسایه

درعین حال خیلی ها معتقد هستند که برخی از کشورهایی همسایه، از جمله پاکستان بنا به اهدافی که دارد در توزیع تذکره مداخله می کند و نمی گذارد مردم ما صاحب کارت هویت شوند. پیچیده‌گی هایی اتنیکی و خویش پسندی های مردمان ماورای مرز، به نگرانی ها در این مورد دامن زده است. بیم آن وجود دارد که خیلی از شهرندان کشورهای بیرونی شناس نامۀ افغانستان را به آسانی بگیرند.

چه تعداد از نفوس کشور شناس نامه دارند؟ در حال حاضر چه تعدادی از شهروندان افغانستان شناس نامه دارند؟ آمارهای ابتدایی نشان می دهد که افغانستان در حدود ۳۵ میلیون نفوس دارد و از این جمله تنها ۱۴ میلیون آنان دارای تذکرۀ شهروندی هستند. دیده شود اگر ارادۀ سیاسی بخواهد این روند به زودی آغاز می گردد در غیر آن کمک ها قطع می شود، کارمندان باقی مانده را هم رخصت می کنند و این پروسۀ ملی برای سال های دیگر به تعویق می افتد.

حمله بر حریم خصوصی یک فرماندۀ جهادی...

آقای عبدالله گفت: مجاهدین در مجموع به رغم کم و کاستی ها و نارضایتی ها در پهلوی حکومت وحدت ملی ایستاده اند و از حکومت حمایت می کنند. داکتر عبدالله تصریح کرد که فرصت طلب هایی از این وضع استفاده می کنند ولی ما در دفاع از حق مجاهدین و افتخارات جهاد متعهد هستیم و به کسی اجازه نمی دهیم به این ارزش ها تعرض نماید.

استاد عطامحمد نور با انتقاد از برخورد دوگانۀ نیروهای خارجی با مجاهدین گفت: همین مجاهدین برای آیندۀ با ثبات این کشور، قدرت را انتقال دادند، برنامه های دایاک و دی دی آر را پذیرفتند، سلاح را تسلیم کردند، اردو و پولیس را شکل دادند و حمایت کردند، از حکومت موقت، انتقالی و قانون اساسی و انتخابات حمایت کردند و حتی خلع قدرت و ترورهای هدفمند همسنگران شان را تحمل کردند، از حضور دوستان بین المللی برای کمک به افغانستان حمایت کردند، نمی دانم از ما دگر چه می خواهند؟

استاد عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ و رئیس اجرائیۀ جمعیت ملی افغانستان در مورد وقوع این رویداد و هدف این نشست گفت: "هدف از گردهمایی فرماندهان جهادی در پروان این بود که چگونگی حمله بر خانۀ فرمانده احمد جان باید ریشه یابی شود و این یکی از جدی ترین نگرانی های ما است که باید به آن رسیده گی شود."

استاد عبد رب الرسول سیاف در صفحۀ فیس بوک اش نوشته است: "حمله به خانۀ جان احمد خان که همیشه در کنار دولت و در سنگر دفاع از ملت و کشور قرار داشته، از یکطرف بی حرمتی به جهاد و مجاهدین بوده و از طرف دیگر آب ریختن در آسیاب مخالفین مسلح کشور است. و این کار مدافعین اصلی و راستین این سرزمین را شدیداً نگران ساخته است."

محمد محقق معاون دوم ریاست اجرائیه با اشاره به حادثۀ پروان و حمله به مجاهدین گفت: این یک سلیی است که در افغانستان به هزار صورت می خورد. جلو این حادثه ها باید گرفته شود. زمانی است که باید با دشمنان این سرزمین مبارزه نماییم، نه اینکه علیه مردم خود و مجاهدین دست به اقدامات خودسر بزنیم.

اعضای مجلس سنا نیز ضمن محکوم کردن شدید حملۀ هوایی بر خانۀ یک فرماندۀ جهادی در پروان تاکید کردند که نیروهای خارجی حق ندارند خانه های افغان ها را بازرسی و یا مورد حمله قرار دهند. فضل هادی مسلم یار رئیس مجلس سنا گفت: "حمله و تلاشی شبانۀ خانه افغان ها توسط نیروهای امریکایی قابل قبول نیست و ما به شدت آنرا محکوم می کنیم". آقای مسلم یار افزود که حضور امریکا در افغانستان خراب و گنگ بوده به خیر مردم افغانستان نیست و این کشور اهداف استراتژیک دیگر دارد. به گفته او؛ اگر این طور نیست به جای حمله و تلاشی شبانه خانه، چرا نیروهای امنیتی افغانستان را کمک نمی کند. سناتوران از رهبران حکومت وحدت ملی خواستند که این مساله را با جدیت دنبال کنند.

چرا اینهمه زمان گذرانی در...

باور و اعتبار خود را در میان مردم، رهبران سیاسی، جامعۀ مدنی، احزاب سیاسی و عام مردم از دست داده است؛ بلکه جامعۀ جهانی به این باور رسیده است که با این کمیسیون نمی خواهند همکاری کنند و نمایندۀ ملل متحد انتخابات ۲۰۱۴ م را یک خواب وحشتناک عنوان نموده بود.

سخنگویان ریاست جمهوری و اجرایی گفته اند که هردو رهبر بر گزینش رئیس و اعضای این نهاد و نیز لایحۀ وظایف و صلاحیت های آن به توافق نزدیک شده اند و این کمیسیون پس از فرمان رئیس جمهور بی درنگ کار خود را آغاز خواهند کرد. باور ها بر این بود، که کار کمیسیون باید در این روز ها آغاز می گردید که تا هنوز چنین کار صورت نگرفته است. انتخابات ۲۰۰۹م یک زنگ خطر برای رهبران سیاسی در افغانستان بود که آن را دست کم گرفتند، تا اینکه انتخابات ۲۰۱۴م در مدیریت تقلب، ریکارد جهانی را برای خود کمایی کرد.

تجربۀ تاریخی حکم می کند که پیش از رفتن به هر نوع انتخابات باید به اصلاح نظام انتخاباتی پرداخته شود، تا معضل های گذشته بار دیگر تکرار نگردد. از آغاز کار حکومت وحدت ملی، از سوی حلقات معین در مورد شروع بررسی و اصلاح نظام انتخاباتی، سنگ اندازی های صورت گرفته و حلقات معین قدرت کار را تا اینجا کشانیده اند. پیش از این ریاست جمهوری خارج از چارچوب مورد توافق، شکریه بارکزی را به عنوان رئیس کمیسیون اصلاح انتخاباتی منصوب کرد که موجب اختلافات شدید میان طرفداران رئیس اجرائی و رئیس جمهور گردید و بعد از فشار های داخلی و خارجی، رئیس جمهور حاضر گردیده است، تا در کار کمیسیون نظام انتخاباتی اصلاح و تغییر را بپذیرد، تا مورد قبول جامعۀ جهانی و مردم گردد.

اکنون سخن از پایان این اختلافات شنیده می شود، چیزی که به باور آگاهان مسائل انتخابات، آوردن اصلاحات در نظام انتخابات و کمیسیون های انتخابایی یگانه راهی بازسازی اعتماد مردم و رهبران سیاسی، روند انتخابات بوده می تواند. بدون شک دولت بسیار شانس های خود را در خصوص انتخابات پارلمانی و شورا های ولسوالی ها از دست داده است و در شرایط موجود رفتن به سوی انتخابات، تقریباً غیر محتمل به نظر می رسد. نبود امنیت و دغدغه های ناشی از آن و نبود ذهنیت مردم به انتخابات افزودن بر این علت بوده می تواند؛ زیرا نتیجۀ انتخابات سال ۲۰۱۴ تمام باور ها را کمرنگ ساخته است.

امروز افغانستان در بحرانی ترین وضعیت سیاسی خود قرار دارد. در ولایات شمال شرق و جنوب جنگ به شدت جریان دارد و همه روزه مردم ما در نتیجۀ این نا آرامی ها قربانی می دهند. بر گزاری انتخابات یک افسانه و شعار سیاسی خواهد بود تا تحقق آرام های مردم؛ طوریکه تخصص و کار آزمایی در حکومت وحدت ملی به چنین افسانۀ سیاسی تبدیل گردیده است. امروز در افغانستان قبل از رفتن به هر نوع انتخابات ضرورت به یک همبستگی بیش از حد احساس می شود تا نخست در میان رهبران حکومت و مردم داخل این حاکمیت یک همبستگی به وجود آید، چیزی که امروز خدشه دار شده است.

امروز توزیع قدرت به صورت عادلانه در رده های رهبری از میان اقوام و اتنی های مختلف وجود ندارد، تنش های قومی و بی باوری های ملی در حال زبانه کشیدن است. فرو نشاندن این آتش، از خود شجاعت و شهامت می خواهد. شجاعت رسیده گی به اعمال خود، شجاعت تحمل دیگران و نگاه برابر و بسیج همه علیه فاسدترین انسان هایی که تاریخ از خود کمتر دیده است.

مروری بر برخی رویدادهای مهم امنیتی

۳۱جوزا:

* به گزارش رسانه ها، نیرو های امنیتی کنترول دوبارهٔ ولسوالی وانت وایگل ولایت نورستان را از مخالفین مسلح دولت گرفتند. حافظ عبدالقیوم والی نورستان گفته است که نیرو های امنیتی حوالی سه و نیم پس از ظهر امروز توانستند، ولسوالی وانت وایگل را دوباره از تصرف مخالفین مسلح بیرون کنند. پیش از این مقامات امنیتی نورستان گفته بودند که مخالفین مسلح دولت با راه اندازی حملات شدید در ولسوالی وانت وایگل، این ولسوالی را تصرف کرده و نیرو های امنیتی را مجبور به عقب نشینی کردند.

* به نقل رسانه ها، شورای ولایتی لوگر گفته است، دوازده مکتب نسوان در ولسوالی های بره کی برک و چرخ این ولایت به دلیل پخش شب نامه ها و تهدیدات امنیتی از سوی افراد نامعلوم از دو روز به این سو مسدود شده است. به گفتهٔ وی، مکاتب بسته شده شامل دوره های متوسطه و لیسه می باشند.

۹سرطان:

* به قول رسانه ها، مدیر معارف ولسوالی چوره ی ولایت ارزگان درحملهٔ مهاجمان مسلح ناشناس کشته شد. مومن مسلم شب گذشته هنگامی که به سوی خانه اش درحرکت بود آماج گلوله باری مهاجمان قرارگرفت.

* درنتیجه حمله انتحاری بر قوماندانی امنیهٔ ولایت هلمند دو فرد ملکی شهید شدند و چهل و نه تن دیگر زخم برداشتند. سخنگوی والی هلمند به رسانه ها گفته است، این حمله پیش از چاشت امروز زمانی رخ داد که انتحار کننده موتر مملو از مواد منفجره اش را در برابر ساختمان قوماندانی امنیه هلمند انفجار داد که در نتیجه به افراد ملکی تلفات وارد شد.

* مسؤلان امنیتی گفته اند که در نتیجهٔ حملهٔ انتحاری امروز در جادهٔ میدان هوایی کابل، یک تن کشته و ۲۴ تن دیگر مجروح شده اند. سخنگوی قوماندانی امنیهٔ کابل گفته، که فرد کشته شده یک مرد می باشد و در میان زخمی شدگان نیز چهار زن و شش طفل شامل می باشد. به گفتهٔ وی، فرد انتحاری کاروان نیروهای خارجی را هدف قرار داد اما در این حمله برای نیروهای خارجی آسیب نرسیده است.

د نا امنیو ډیرښت او د ...

په وړاندې د بې حسی په مرګونې چوپتیا ښکاره کولو سره نا توانه شوی دی؛ څکه هره ورځ د هیواد په ګوټ ګوټ کې د مرګونو بریدنو پرته دولتي او ملي شخصیونه هم ټارګټ ګر ځي؛ چې د هغې ژوندي مثالونه لکه په مزار کې ددغه ولایت د والي د یو نږدې تن، په کابل کې او نورو ولایتونو کې د قضا یا څارنوالی په څو مسوولینو مسلسل بریدونه او هم تېره اونی لومړی په ننګرهار کې د بټې کوټ ولسوالی کې د یو قومي مشر ملک یوسف د داعش لخوا او بیا د ولایتي شورا پخواني معاون او علمي شخصیت مفتی معین شاه د نا معلومه کسانو لخوا وژل کیدل. ددې غمازي کوي چې پدې هیواد کې یوازې هغه څوک په امن کې دي چې د اوږدو سیمټي دیوالونو دننه کښیني او پاتې نور د امنیتي ځواکونو سربېره، د ولسي او ملکي وګړو ژوند هم له ګوابښ سره مخ دی.

دا پداسې حال کې ده چې امنیتي مسوولین کله کله مخالفینو ته د ضد او نقیضو تلفاتو اړولو ادعاء هم کوي؛ لکه چې د تېرې چهارشنې په ورځ د ملی وزارت ویاند په هلمند، فراه او ننګرهار کې مخالفینو ته د اویا تنو په شاوخوا کې د وژل کیدو د تلفاتو ادعاء کوي او د ملي امنیت مسوول بیا د پکتیا، تخار او کندز په ولایتونو کې د ورته شمیرې د تلفاتو ادعاء کوي، چې مخالفینو ته یې اړولي دي؛ که چیرې یوازې پنځو کلونو کې د تلفاتو دغه ارقام سره جمع کړاې شي نو له مخې یې باید اوس ټول مخالفین ختم شوي واې!!

خو حقیقت دادې چې ورځ تر بلې د ملکي او نظامي هغه تلفاتو شمیره لا پسې ډیریږي چې مخالفین یې د دولت امنیتي ارګانونو ته اړوي. او ولسمشر بیا پدې اکتفاء کوي چې ګویا د هیواد د امنیتي ځواکونو څخه ملاتړ کوي، نو پوښتنه داده چې آیا امنیتي ځواکونه د بل هیواد یا بل چا اعلی سر قوماندانی لاندې کار کوي چې ولسمشر یې ورڅخه د ملاتړ اعلان کوي؟!

آخر دغه ځواکونه د چا په خدمت کې دي چې ولسمشر یې ورڅخه د ملاتړ اعلان ته اړ کیږي، دا اعلان هم د والیانو او امنیتي مسوولینو هغو اعلانونو ته ورته معلومیږي چې د داعش او طالبانو ترمینځه جګړې په نتیجه کې تلفاتو په اړه یې کوي؛ چې یو له بل څخه دومره وژلي دي. او دولت سره ددې چې د پاکستان سره د استخباراتي تړون په لاسلیک کولو سره هم تر اوسه قادر نشو چې په هیواد کې د ناامنیو مخنیوی وکړي او د وسله والو مخالفینو سره د سولې یا جګړې له لیارې نوره جګړه له افغانستان څخه ختمه کړي.

بالاخره ولسمشر هم دې ته مجبوریږي چې په افغانستان کې د جګړې ختمول په سیمه ایزی همکاری، پورې تړلې وګڼي؛ دا سمه ده او رښتیا هم جګړه ختمیدل سیمه ایزی همکاری ته اړتیا لري. خو د جګړې ختمیدل په هیواد کې د اداري فساد ټغر ټولیدلو، پاکې حکومتولی، کارونه د کار ورو خلکو ته سپارلو او هم د امریکا سره د هغې بې معنا امنیتي تړون ختمولو ته هم اړتیا لري چې وسله وال مخالفین یې د خپلې جګړې د دوام بهانه ګرځولی شي.

تبلیغات برتر از تفنگ...

ریخته می شود! پس دیده شد و یک رکن مهم حکومت، وزیر داخله با صراحت گفت که تبلیغات دشمن موثر است و پاسگاه های ما در نتیجهٔ این تبلیغات از دست می رود و دشمن با تبلیغ و صرف پول، مواضع ما را به دست می آورد.

آیا این عمل، تکرار حوادث سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ نیست؟

آیا مردم ما به بقایای رژیم های کودتایی و تجاوز روس، بد بین و متنفر نبودند؟ آیا مردم به لفاظی ها و شعبده بازی های نجیب و طرفدارانش فریب می خوردند؟ آیا عزم و ارادهٔ مجاهدین و پشتوانهٔ قومی مردمی آنان، روز به روز تقویت نمی شد؟

پس حکومت وحدت ملی باید به هوش آید و جلو کارها و اقدام های ضد قانونی و خلاف شریعت اسلامی را بگیرد تا گفته های مخالفان مسلح معنی و در صحنهٔ عملی پدیدار نگردد!

آیا برنامه های تلویزیون ها و اکثر این رسانه ها به دین اسلام و شرف و عزت افغانستان، فرسنگ ها فاصله ندارد؟

آیا حرکات و کردار افراد حکومتی و شکل و نمایش هوتل ها و عروسی ها، اکثر ضد اسلامی و ضد مردمی نیست؟

پس حکومت باید به هوش بیاید و جلو تخریب حکومت، مردم و قانون را بگیرد. فقط وضع مدارس دینی در سراسر کشور را با دانشگاه ها و یا اکثر مکاتب، مقایسه کنید، بعد به بیچارگی و ناداری مدارس دینی به وضوح پی خواهید برد!

در کشور اسلامی که مدارس به این اندازه از نظر دور و حتی اکثر آن در گرما بدون پکه هستند، پس حال اسلام و مسلمانان چگونه خواهد بود!

آیا مردم ما به دنبال نوشتن تقدیر به دست خویش نخواهند رفت؟

خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش بدست خویش بنوشت

خبر دروغ!

○ همنوا

دروغ از گناه های کبیره است و نباید یک زن و یا مرد مسلمان در حرف ها و قصه های خود به دروغ متوسل گردد و در واقع حیثیت خود و جامعه را متضرر سازد.

در گذشته ها فقط دروغگویان با گفتن دروغ ها معروف بودند و امروز با وسایل الکترونیک و به ویژه رادیو، تلویزیون و موبایل ها و سایر وسایل ارتباط جمعی از دروغ و دروغ پراگنی سود می برند.

فیسبوک و تویتر یکی از ذرایع نامدار دروغ پراگنی است و حیف است که افراد مسلمان ازین وسیله جهت دروغ پراگنی استفاده نمایند. صدها و هزاران مرد و زن با تغییر هویت و جنسیت خویش و به عنوان سرگرمی از این وسیله ها استفاده می کنند و خود را پسر بیست ساله و یا دختر پانزده ساله معرفی می کنند حال آنکه این پسر نه پسر بلکه یک خانم پنجاه ساله است و این دختر نه دختر بلکه یک مرد سی ساله یا چهل ساله است!!

یا این که وعده ها و حرف به دروغ در این صفحات تکراری می شود و یک مرد یا زن پولدار – سرمایه دار خویش را فقیر و نادار و یا افراد فقیر خود را میلیونر معرفی می کنند!

مرد ها بیشتر مشغول دروغ گویی اند و خود را نادار معرفی می کنند تا زنان و دختران از آنها موبایل یا لباس و یا پول مطالبه نکنند و یا اگر وعده ها حضوری هم داشته باشند. وعده های به دروغ از زندگی مرفه و آرام در آینده را تکرار و تکرار نمایند!

فاجعه بار است زمانی که یک فرد (چه زن و یا مرد) که ازدواج کرده و دارای فرزندان است خود را مجرد معرفی دارد و راه فساد و گناه را به خانه های خویش باز نماید!

بدترین مورد این صفحات، نام ها و آدرس ها غلط و نادرست است که در کنار دروغ های دیگر، نام خویش را به دروغ پسر یا دختر معرفی می دارند!!

و این صفحات، از خبر های دروغ نیز شواهد زیادی دیده می شود:

– رهبر بودایی ها توسط مجاهدین کشته شد به کیفر جنایات برمایی های بودایی در برابر مسلمانان مظلوم.

– لشکر های مجاهدین به میانمار (برما) رسیدند...!!

–اردوغان رهبر مجاهدین اعزامی است و لشکر ترک ها به برما رسید و....

اما فکر نمی کنند که سرحدات میان کشور ها و قواعد موجود در زمینهٔ ویزه و اجازه افراد و یا لشکر ها که از چندین کشور می گذرند و بعد به برما می رسند و ... این شرایط و تشریفات تا چه اندازه مشکل و جنجال آفرین است!!

برخی ها فکر می کنند که با پخش همچو خبرهای دروغ، می توان مسلمانان را روحیه داد و بر پیکر ظالمان و متجاوزان ضربه وارد کرد!

اما نادرست بودن این خبر ها، چند خبر درست را در رابطه با موضوع محکومیت مسلمانان در برما زیر سوال می برد و مردم و مشترکین بی باور می شوند و فکر می کنند که این خبر نیز نادرست و دروغ است.

دروغ در همه حالت دروغ است و بخصوص در ماه مبارک رمضان که ثواب هر عمل کوچک ده ها مرتبه زیاد می شود و گناه هر عمل نیز در این ماه مبارک افزایش می یابد!

اما در مورد دروغ و حالت های که گفتن دروغ جواز دارد، در کتاب های قدیم و جدید مطالبی ذکر شده است:

امام غزالی در کیمیای سعادت در فصل صلیت های پسندیده و نا پسندیده در دروغ گفتن مطالب زیادی بیان داشته است. او توام با پند و اندرز به خوانندگان کتاب خویش می گوید: در زمان حاجت و ضرورت می توان دروغ گفت:

او قصهٔ حضرت معاذ (رض) را ذکر می کند که همسرش به او گفته بود: خدماتی را انجام داده ای ولی هرگز به منزل چیزی نمی آوری؟

معاذ (رض) در پاسخ گفت: نگهبانی با من بوده است و همسرش فکر کرد که خلیفه کسی را وظیفه داده که با او به حیث مشرف و نگهبان باشد! پس همسرش به منزل خلیفهٔ وقت حضرت رضی الله عنه رفت و داد زد که: معاذ امین رسول الله بود و بعد امین ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود و آنان کسی را مشرف و نگهبان او مقرر نکردند، پس چرا تو با اوکسی را مقرر کرده ای؟

خلیفه متعجب شد و معاذ را خواست. معاذ قصه را به خلیفه گفت و خلیفه خندید و چیزی از بیت المال به معاذ داد تا به همسرش بدهد.

امام غزالی این حکایت را برای گفتن یک مطلب غیر واقعی به میان آورده و همچنین نگهبان را به معنی خداوند آورده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم زمانی به یک زن پیر گفت که، زنان پیر به بهشت نروند و آن زن بسیار گریست و پیامبر دوباره گفت که همه جوان شوند و در بهشت روند!

این مزاح پیامبر که ضرری ندارد مباح است و اگر ضرری متصور باشد مثلاً بگویند که فلان زن شیفتهٔ شماست و این حرف دروغ است و دل بستن به یک شخص را نباید گفت که دروغ است و ضرر های زیادی دارد.

هرگاه میان دو مسلمان رنجش اتفاق افتد، مسلمان دیگر می تواند حرف های دروغ را به یکطرف و یا هردو طرف بگوید که این دروغ باعث آشتی آن دو فرد شود و یا هنگام جهاد با کفار می توان دروغ گفت که نیرنگ لازمهٔ جنگ است.

خدا ما مسلمانان را از دروغ و دروغ پراگنی نجات دهد و نام، اعمال ما را بدون گناه دورغ به راستی صداقت یک مسلمان، آماده نماید.

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا و اندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا و مواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست.

دور ششم –سال چهاردهم – شمارۀ پانزدهم ۱۳سرطان ۱۳۹۴ ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۳۶ 4 July 2015

د نا امنیو ډېرښت او د حکومت لخوا د رسنیو کردار



■ زهیر

له کومې ورځې چې د ملي وحدت په نامه ګډ حکومت رامینځته شوی او ولسمشر غني د خپلې نوې واکمنۍ لپاره د بهرنۍ پالیسۍ هغه کرښلاره بیان کړې، چې له مخې یې د نړۍ هیوادونه پنځه کټګورۍ وګرځول؛ او له پاکستان او نورو ګاونډیانو سره اړیکې ټینګولو ته یې اولویت ورکول خپل یو نوښت په ګوته کړ، افغان ولس انتظار کاوه چې ښایې د حکومت نوې پالیسي به د هیواد په امنیتي وضعیت کې بدلون راولي؛ که څه هم له امریکا سره د امنیتي تړون لاسلیکولو یې په اړه بې باورۍ هم ورسره زیاتې کړې وې؛ ځکه که څه هم پاکستان د افغانستان لخوا د امریکا هیواد سره د امنیتي تړون په لاسلیکولو باندې خپل غبرګون په مخالفت سره نه وو ښودلی مګر د څو لسیزو راهیسې د پاکستان لخوا د افغانستان په اړه دوه مخې پالیسۍ دا ښودله چې ناممکنه بریښې چې پاکستان دغه غبرګون د زړه له کومې څرګند کړی وي.

خو د ولسمشر غني پاکستان ته سفر کولو او د بندو دروازو تر شا مذاکراتو دا عندیه ورکوله چې ښایې پاکستان په خپل سیاست کې جدي بدلون راولي او ددې تر څنګه د نوي حکومت لخوا د سولې د هڅو د چټکتیا او پدې اړه د جدي ګامونو اوچتولو څخه یوه هیله راټوکیده؛ چې کیدای شي له یوې خوا په پاکستان باندې نړیوال فشار او له بلې خوا ورسره ددوستۍ نوې اړیکې او هم د سولې د هڅو د چټکتیا خبرونه، افغاني طالبان او پاکستان دې ته اړ کړي چې نور له افغانستان سره خپلې ترینګلې اړیکې او مخاصمانه پالیسیو ته بدلون ورکړي او په نتیجه کې یې د نا امنیو پیښې راکمې شي.

مګر نه یوازې دا چې د نا امنیو په پیښو کې کمې رانغې؛ بلکې لا پسې ډیری شوې او هم ډیر له امنیت څخه برخمن ځایونه ټارګټ وګرځیدل؛ د سرینا په څېر مرکزي هوټل کې عملیات، د وزیر اکبر خان مینې په څیر له ارګ وروسته زیات له امنیت څخه برخمنه سیمه کې څو ځلې د نا امنیو پیښې، پدې وروستیو کې په ولسي جرګه برید، څو ځلې د هوایي ډګر او سترې محکمې ترمینځه سیمه کې بریدونه او هم په ولایتونو کې په امنیه قوماندانیو، ولایتي مرکزونو او د ولایتي شوراګانو په دفترونو بریدونو او ان تردې چې په شمال کې له بدخشان او بغلان وروسته په کندز او تخار کې او په ځانګړې توګه په کندز کې د دوه وو ولسوالیو د مخالفینو په لاسونو کې له لویدو وروسته او هم د ننګرهار ولایت په ګنو ولسوالیو، لکه: کوټ، بټي کوټ، هسکې مینې، شیرزاد، خوګیانیو، چپرهار، سپین غر، غني خیلو، نازیانو، لالپورې او... کې د داعش د نوې ډلې چټک پرمختګ کې د طالبانو او داعش ترمینځه جګړو په پایله کې د تلفاتو رامینځته کېدو خبرونه د والیانو د ویاندویانو او یا د امنیت د ویاندانو لخوا لکه د رسنیو په څېر بیانولو او د هغوی د خپلمنځي جګړې د تلفاتو ارقام بیانولو دا په ګوته کړه چې دولت نور د نا امنیو ۷مخ

دیگر نباید در محور خیال قرار گرفت!

○ تکساری

تعدادی از معلمان در مرکز و ولایات کشور ظرف یک ماه در یک اعتراض مدنی قرار گرفتند و در خصوص این اعتراضات سخنان روشن نشنیدند و سرانجام به اعتراضات شان با شروط و زمان معیین پایان دادند. طوری که شنیده شد وزارت معارف در برخی موارد در محور خیال قرار داشته است، در حالیکه خیال پردازی فقط در حوزۀ شعر، موسیقی و ادبیات جواز دارد و شاعر با طبع وقاد با توسن خیال پرواز می کند و برای خواننده اش زیبایی خلق می کند. نمی توان برای معلم مکاتب خیالی ساخت، برای معلم معاش خیالی داد و خانه های خیالی درست نمود. امروز وزارت معارف نمی تواند به صراحت بگوید که ۸۰ هزار نمرۀ رهایشی که از سوی رهبری پیشین این وزارت برای معلمان توزیع شده است، دور از واقعیت و یک فریب سیاسی است.

در صورتی که ۸۰ هزار نمرۀ رهایشی به معلمان بی سر پناه توزیع شده باشد، دیگر هیچ یک از معلمان در کشور بی سر پناه نخواهد بود. امروز ادعا چنین است که این زمین ها از سوی زورمندان غصب شده است و برای معلم نرسیده است. امروز صدها هزار معلمی که در شهر ها و ولایات زنده گی می کنند، فاقد سرپناه نمی باشند و زنانی که در مکاتب به تدریس می پردازند شاید شوهران شان دارای سرپناه بوده باشند، و... که هیچ نوع بررسی و دقت برای توزیع نمرات رهایشی از سوی رهبری پیشن وزارت معارف صورت نگرفته است، آنچه دراین توزیع وجود داشته است همان تخیل شاعرانه، جوسازی و بی تفاوتی در برابر خواست بر حق معلمان کشور بوده است. در ولایات کمتر مناطق برای شهرک معلمان در نظر گرفته شده است. در شاهراه بغلان- پلخمری یک لوحه وجود دارد که ساحۀ یک دشت سوزان برای شهرک معلم نام گذاری شده است و احتمال زنده گی در این دشت شاید بعد از ده ها سال مقدور باشد.

از جانب دیگر اگر معلم در این دشت برای خود خانه بسازد، میان محل کار وی و منزلش، شاید ساعت ها فاصله وجود داشته باشد. تعداد از نمرات رهایشی در دشت ده سبز برای معلمان در گذشته ها درنظر گرفته شده است که تا هنوز معلم زمین خود را از نزدیک مشاهده نه نموده است. برای تعداد از معلمان در پروژه های دولتی آپارتمان درنظر گرفته شده و یک مقدار پول از نزد معلمان به عنوان قسط گرفته شده و بعد از چندین سال این پول دوباره به معلمان مسترد گردید و برای شان گفته شده که دیگر همه چیز شخصی است و باید اقساط آن از طریق پروژه های شخصی و دولتی به طور منظم پرداخته شود، در غیر آن پروژه های دولتی و شخصی مکلف به تهیۀ سرپناه برای هیچ کس نیست.

تعدادی از مکاتب در شهر کابل که مرکز آن در لیسۀ حبیبیه قرار دارد و در حدود بالاتر از ۱۰ هزار دانش آموز در آن لیسه مشغول آموزش اند، از مدت بیشتر از یک ماه از آموزش و پرورش محروم گردیدند. از سال ها بدینسو قدم و رتب معاشات معلمان اجرا نگردیده و ظرفیت یک صنف درسی از ۳۰ الی ۴۰ دانش آموز به ۷۰ الی ۸۰ دانش آموز بلند رفته است که درس را از کیفیت تهی ساخته است.

یک معلم بالاتر از ظرفیت خویش در هفته در حدود ۳۰ الی ۳۲ ساعت تدریس می نماید که دور از انصاف و عدالت اجتماعی است، این ها و مسائل دیگر در حدی نیست که دولت در کوتاه مدت نتواند به آن رسیده گی نماید. در درفشانی های وزیر پیشین وزارت معارف آمده بود که مکاتب در حال اعتراض به سر می برند و دولت به آن رسیده گی نکرده است، در حالیکه این خواسته های معلمان به دوران وی بر می گردد.

در این وزارت نظر به گزارش سیگار، پول های کمکی فراوان حیف و میل شده است. وقتی وزیر جدید معارف از مکاتب خیالی در پارلمان حرف زد و سیگار (ادارۀ بررسی ایالات متحدۀ امریکا) آن را تائید نمود، وزیر پیشین بر افروخته شد که گویا در زمان تصدی وی هیچ چیز خلافی سر نزده است! اما حکومت وحدت ملی فقط نظاره گر اوضاع بوده است و بس!

تبلیغات برتر از تفنگ ها!

□ فقیری

در هفتۀ گذشته وزیر امور داخله در ولسی جرگه با بیان واضح گفت که، سربازان ما در اکثر موارد، پایگاه ها را تخلیه کرده، بی روحیه شده و مواضع شان را به دشمنان تسلیم داده اند!

در دنیای امروز و دیروز، همواره سخن از زور، قوت، سلاح و تفنگ هاست. اکثر کشور ها در پی بدست آوردن منابع عظیم اسلحه و سلاح های مختلف و پیشرفته از کشور های قدرتمند هستند. بودجۀ نظامی اکثر کشور ها بیشتر از بودجه های معارف و کشاورزی است و حتی افراد بی سواد و فقیر در یک جامعه بیشتر اند از تعداد سربازان و افسران اردو و حال آنکه دولت ها اکثر امکانات و دست آوردهای زراعتی و صنفی خویش را بذل تسلیحات عسکری می نمایند و همواره به قوت و نیروی نظامی خویش تکیه می کنند! در اکثر کشور ها و به ویژه در کشور های هند و پاکستان در نزدیکی ما، این سیاست حکومت ها به خوبی و وضاحت دیده می شود.

همه می دانیم که مردمان هند و پاکستان با آنکه دارای غنای ادبی و معنوی اند ولی میلیون ها فرد بی سواد، چی پسر چه دختر در این سرزمین ها وجود دارند و این معضلۀ مهم و جانکاه، بیشتر از ناحیۀ نبود وسایل و امکانات برای درس و مکتب در این دو کشور است!

اما می بینیم و می شنویم که حکومات این دوکشور، هر یک پی دیگری در فکر تقویت اردوی خویش اند و مبالغی هنگفت را هزینه می کنند تا توان و استعداد کافی جنگی در برابر دیگران و بخصوص کشور همسایۀ شرقی یا غربی پیدا کنند!

در کنار فعالیت دولت ها و حکومت ها در امر تسلیح هرچه بیشتر قوای نظامی خویش، به کار فکری و فرهنگی نیز توجه می کنند و هرگاه بخش های نظامی را به معارف و فرهنگ مقایسه کنیم، تفاوت راه از کجاست تا به کجا!

سخنان وزیر امور داخله این واقعیت پنهان را آشکار ساخت که دشمنان افغانستان با وجود تبلیغات و هیاهوی زیاد حکومت و رسانه ها، از امر کار فکری و تبلیغاتی نا آگاه نیستند و به توان خود یا باداران خویش تلاش می نمایند تا حکومت وحدت ملی را مسخرۀ خارجی ها و آلت دست آنان وانمود سازند!

مخالفان مسلح حکومت وحدت ملی، روز به روز به حملات خویش می افزایند و اساس و شالودۀ حکومت وحدت ملی را بی اساس و بی بنیاد می خوانند!

تبلیغات بیرونی و رسانه های خارجی و داخلی که بیشتر این رسانه ها با پخش اخبار و بحث ها، اساس حکومت را ناپایدار معرفی می کنند و به تکرار از ضعف حکومت صحبت می کنند و پایان عمر آن را نزدیک می پندارند، این ها همه در کنار سایر تبلیغات ضد حکومتی، آب هایی است که به آسیاب دشمنان حکومت وحدت ملی، ص۷